

ابعاد معافیت های مالیاتی در مناطق آزاد تجاری- صنعتی

■ تهیه و تدوین: محمد جواد نفری قلعه ■



قرن کاہلی مہسکار
بامفسدہ فتنہ

از اهداف متعددی که برای ایجاد مناطق آزاد در ایران تعریف شده است، ویژگی‌هایی نیز برای این مناطق پدید آمده که از جمله آنها می‌توان به مشوق‌هایی نظیر معافیت مالیاتی بر درآمدهای حاصل از تمامی فعالیت‌های انجام‌شده در این مناطق اشاره کرد. با این حال، تاکنون پژوهش‌های چندانی در سطح کشور به بررسی این نوع معافیت‌ها نپرداخته‌اند. در این گزارش، تحلیل ساختار، ضرورت و کارآمدی معافیت مالیاتی مناطق آزاد به‌عنوان مهم‌ترین دغدغه مطرح است؛ به‌گونه‌ای که پرسش‌های بنیادینی در این زمینه قابل طرح است: استدلال و منطق حاکم بر اعمال چنین معافیتی چیست؟ با توجه به گستردگی پایه‌های بالقوه مالیاتی در این مناطق، آیا همه انواع فعالیت‌ها باید مشمول معافیت مالیاتی گردند؟ همچنین، پیامدهای اعمال این معافیت و نیز پیامدهای احتمالی حذف آن بر عملکرد مناطق آزاد چه خواهد بود؟

بررسی‌های محدود داخلی که در این حوزه صورت گرفته، بیشتر بر ارزیابی عملکرد مناطق آزاد متمرکز بوده و به‌طور غیرمستقیم به آثار و پیامدهای اعمال مشوق‌های مالیاتی پرداخته‌اند؛ به‌نحوی که مباحث مربوط به معافیت مالیاتی به‌صورت مستقیم و مستقل مورد کنکاش قرار نگرفته است. در حالی که رویکرد مطلوب در تحلیل ساختار این نوع مشوق، ایجاب می‌کند که پرسش اساسی ذیل پاسخ داده شود: آیا معافیت مالیاتی باید به‌صورت کلی و همه‌شمول برای تمام فعالیت‌های مناطق آزاد اعمال گردد، یا آنکه پایه‌های مالیاتی می‌بایست بر اساس ملاک‌هایی چون ضرورت، کارآمدی و پیامدهای اقتصادی گزینش شده و صرفاً بخشی از پایه‌ها به‌منظور حمایت هدفمند از شمول معافیت برخوردار شوند؟ در ادامه، به برخی از مطالعات انجام‌شده در داخل کشور در این خصوص اشاره خواهد شد.

مطالعه تطبیقی سایر کشورها در عملکرد معافیت مالیاتی

ایجاد مناطق آزاد در جهان همواره با تأکید بر اهداف توسعه‌گرایانه‌ای همراه بوده است که از جمله آنها می‌توان به اتصال تدریجی اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی، افزایش کارایی و رقابت‌پذیری اقتصاد ملی، توسعه منطقه‌ای در چارچوب تحقق اهداف ملی، رفع محرومیت از مناطق کمتر توسعه‌یافته، جذب سرمایه‌های خارجی و داخلی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، دستیابی به فناوری‌های پیشرفته و ارتقای سطح فعالیت‌های تولیدی با جهت‌گیری صادراتی اشاره کرد. شایان ذکر است که هرچه اهداف با دقت بیشتری انتخاب و تبیین شوند، مسیر اجرایی با صحت بیشتری طراحی گردد و راهبردها و سیاست‌های اتخاذشده از مطلوبیت بالاتری برخوردار باشند، احتمال دستیابی به عملکردی قابل‌قبول برای منطقه آزاد ایجادشده نیز افزایش خواهد یافت.

کشورهای مختلف بنا بر اهداف و راهبردهای سیاسی متمایزی به تأسیس مناطق آزاد اقدام نموده‌اند و بر این اساس، ساختار، ویژگی‌ها و مشوق‌های متفاوتی نیز برای این مناطق در نظر گرفته می‌شود؛ به‌گونه‌ای که حتی ممکن است در میان مناطق آزاد یک کشور نیز چنین تنوعی مشاهده گردد.

در پژوهش حاضر، مطالعه تجربه مناطق آزاد به کشورهای آسیایی محدود شده است که این محدودیت با توجه به قرابت جغرافیایی و اقتصادی این کشورها با ایران توجیه می‌گردد. کشورهای آسیایی فاقد مناطق آزاد را می‌توان در دو گروه کلی مورد بررسی قرارداد. گروه نخست، کشورهایی هستند که به اصول اقتصاد آزاد تمایل داشته و نیروهای بازار را به‌عنوان سازوکار اصلی تخصیص منابع به رسمیت می‌شناسند. این کشورها در راهبرد توسعه صنعتی خود، به‌شدت بر سیاست‌های مبتنی بر صادرات و برون‌گرایی تأکید دارند.

در تبیین موفقیت نسبی این مناطق، سه عامل اساسی مورد توجه قرار گرفته است:

۱. اتخاذ استراتژی مناسب صنعتی و اجرای اقدامات مطلوب در این زمینه؛
 ۲. ایفای نقش صحیح و توانمند دولت‌ها به‌عنوان حاکمان توسعه‌گرا که از طریق دخالت‌های هدفمند در اقتصاد و اعمال سیاست‌های کارآمد، به نظم‌دهی و تقویت فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازند؛
 ۳. وجود محیط اقتصادی مطلوب در سطح بین‌المللی، به‌گونه‌ای که در دوره زمانی ایجاد این مناطق (دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی)، تجارت جهانی از رشد سریعی برخوردار بود و بازار کشورهای صنعتی به روی کالاهای تولیدی کشورهای در حال توسعه گشوده شده بود.
- دومین گروه از کشورها، آن دسته از کشورهایی هستند که در آغاز، تمایل چندانی به پذیرش اصول اقتصاد آزاد نشان نمی‌دادند. برخی از این کشورها، هم‌زمان با اتخاذ راهبرد جایگزینی واردات، به تأسیس مناطق آزاد اقدام نمودند تا از این مناطق به‌عنوان ابزاری برای حفظ ساختار اقتصاد دوگانه خود بهره‌گیرند. با این حال، در گذر زمان، بسیاری از این کشورها نیز راهبرد تجاری خویش را به‌سوی برون‌گرایی و توسعه صادرات سوق دادند. در نتیجه، مناطق آزاد در این کشورها توانستند نقش مؤثری در گشودن تدریجی دروازه‌های اقتصاد ملی به روی اقتصاد جهانی ایفا نمایند.
- در ادامه، مناطق آزاد منتخب از هر دو گروه کشورهای یادشده، بر اساس معیارهایی نظیر اهداف، مشوق‌های مالیاتی و خلاصه‌ای از عملکرد آنها، مورد بررسی قرار گرفته است.

چین

سازوکار اقتصادی چین، از جمله نظام تجاری این کشور، تا پیش از دهه ۱۹۷۰ میلادی در چارچوب اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده قرار داشت و به‌تبع آن، تقریباً تمامی حجم مبادلات تجاری به دستورالعمل‌های کمی دقیق محدود می‌شد. با این حال، رژیم تجاری چین طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی به‌تدریج دستخوش اصلاحات گردید. هم‌زمان با این اصلاحات، مناطق آزاد تجاری چین نیز از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی پا به عرصه ظهور نهادند. در این دوره، مناطق شیژن، ژوها، شانتو و سپس شیامن و هاینان در سال‌های ابتدایی دهه مذکور، به‌عنوان مناطق ویژه اقتصادی معرفی شدند. در سال ۱۹۸۴، چین تعداد ۱۴ منطقه آزاد دیگر را به فهرست مناطق ویژه افزود که از جمله آنها می‌توان به دالیان، نانتونگ و به‌ویژه شانگهای اشاره کرد. پیامد پیدایش و گسترش مناطق آزاد در چین، تحول تدریجی یک اقتصاد دولتی به‌شدت بسته به سمت اقتصادی باز با توانایی جذب سرمایه خارجی و نیز رویکرد صادرات‌محور، در طول چند دهه بوده است.

در حال حاضر، چین بیش از ۲۰۰ منطقه آزاد دارد که برای برخی از آنها اهداف و مأموریت‌های ویژه‌ای تدوین شده است. به‌عنوان نمونه، مأموریت برخی از این مناطق صرفاً جذب سرمایه‌های خارجی، برخی دیگر توسعه فناوری‌های خاص، و شماری نیز ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق کمتر توسعه‌یافته تعریف شده است. مهم‌ترین منطقه آزاد چین، که همچنان به‌عنوان نسخه آزمایشی در حال فعالیت است، منطقه آزاد تجاری آزمایشی جدید چین (شانگهای) محسوب می‌شود. این منطقه در تاریخ ۲۷ سپتامبر سال ۲۰۱۳ میلادی توسط دولت چین تأسیس گردید و مساحتی معادل ۲۹ کیلومتر مربع دارد. این منطقه حاصل ادغام چهار منطقه آزاد تجاری معاف از مالیات است که عبارت‌اند از: منطقه آزاد تجاری شانگهای وای‌گائوچیائو، پارک لجستیکی تجارت آزاد وای‌گائوچیائو، ناحیه تجارت آزاد فرودگاه شانگهای بودونگ، و منطقه بندری تجارت آزاد یانگشان.

به‌واقع، تأسیس منطقه آزاد تجاری آزمایشی چین (شانگهای) تصمیمی استراتژیک از سوی دولت مرکزی محسوب می‌شود که گامی مهم در جهت تقویت و رونق اصلاحات اقتصادی چین و گشایش بیشتر اقتصاد این کشور در شرایط جدید به‌شمار می‌آید. بنیان‌گذاری این منطقه با هدف‌گذاری چشمگیری همراه بوده و برنامه آن شامل تسریع در تحول کارکردهای دولت، یافتن نوآوری‌های اداری، تحریک تجارت، تسهیل سرمایه‌گذاری، و انباشت تجارب در راستای دستیابی به اقتصادی بازتر برای چین است. به عبارت دیگر، هدف از ایجاد این منطقه، گشودن مسیری برای انجام اصلاحات جدید و سپس تعمیم آن به سایر شهرهای چین بوده است. بر این اساس، منطقه آزاد تجاری آزمایشی شانگهای نه صرفاً برای شتاب‌بخشی به رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت، بلکه به‌منظور تجربه‌اندوزی برای گسترش و تعمیق اصلاحات در چین راه‌اندازی شد. از این‌رو، انواع متنوعی از مناطق انتخاب گردیدند تا بتوان سیاست‌های جدید را مستقیماً در سایر مناطق ویژه اقتصادی عمومی، همراه با بنادر، فرودگاه‌ها، پارک‌های صنعتی یا پارک‌های لجستیکی، بسط و گسترش داد. با این وجود، اهداف کلی ایجاد مناطق آزاد در چین به شرح زیر است، هرچند سازوکارهای عملیاتی برای تحقق این اهداف همواره در حال تغییر و تحول می‌باشند.

اهداف

کشور چین با بهره‌گیری از مزیت تجارت آزاد و اتخاذ سیاست درهای باز از طریق راه‌اندازی و توسعه مناطق آزاد، توانسته است به رشد اقتصادی سریع و حضور مؤثر و فعال در عرصه اقتصاد جهانی دست یابد. از این‌رو، اصلی‌ترین هدف ایجاد مناطق آزاد در این کشور، تسهیل فرایند اصلاحات اقتصادی و جذب سرمایه‌های خارجی از طریق این مناطق بوده است. در واقع، چین به‌منظور دستیابی هم‌زمان به دو هدف حرکت به‌سوی اقتصاد باز و حمایت از تولید داخل، ایده مناطق آزاد را گسترش داد. به‌طور کلی، مشوق‌های مالیاتی اعمال‌شده در نظام مالیاتی چین در ارتباط با مناطق آزاد، فعالیت‌محور بوده و با هدف هدایت سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌ها یا بخش‌های مورد حمایت طراحی شده‌اند. این شیوه حمایت، هم به گسترش فعالیت‌ها کمک می‌کند و هم پایبندی به اصول اقتصاد آزاد را که هدف غایی ایجاد مناطق آزاد است، تأمین می‌نماید.

مشوق‌های مالیاتی

- معافیت مالیات بر واردات برای شرکت‌هایی که کالاهای خارج از کشور را پردازش می‌کنند.
 - معافیت مالیات بر ارزش افزوده برای کالاهای فروخته‌شده در منطقه.
 - مالیات بر درآمد، در صورتی که به دارایی‌ها اضافه و جهت سرمایه‌گذاری استفاده شود، به‌صورت اقساطی در دوره پنج‌ساله تعیین می‌گردد.
 - مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر مصرف در سطح واردات برای کالاهایی اعمال می‌شود که توسط شرکت مستقر در منطقه پردازش و در داخل کشور به‌فروش می‌رسند.
 - برخی ماشین‌آلات و تجهیزات وارداتی شرکت‌های تولیدی مستقر در منطقه، از معافیت‌های گمرکی و نیز معافیت مالیات بر ارزش افزوده و مالیات مصرف در سطح واردات برخوردارند.
 - مالیات بر صادرات ممکن است برای شرکت‌های مالی یا شرکت‌های تابعه آنها قابل استرداد باشد.
- ساختار مشوق‌های مالیاتی
- شرکت‌های مستقر در مناطق شنژن، ژوهای و پینگ‌تان ملزم به پرداخت مالیات بر شرکت‌ها با نرخ تخفیفی

۱۵ درصد می‌باشند. البته اعمال این تخفیف مشروط به مشارکت شرکت مذکور در طرح‌هایی است که به واسطه مالیات بر درآمد شرکتها، مشمول برخورد ترجیحی در منطقه می‌گردند.

▪ شرکت‌های با سود محدود که درآمد سالیانه مشمول مالیات آنها کمتر از یک میلیون یوان است، از نرخ مالیات بر درآمد شرکتی معادل ۱۰ درصد (با اعمال تخفیف مربوطه) برخوردار می‌شوند.

▪ از سال ۲۰۱۱ میلادی به بعد، کلیه شرکت‌های مستقر در نواحی غربی کشور چین نیز مشمول نرخ تخفیفی ۱۵ درصدی مالیات بر درآمد شرکتها گردیده‌اند.

عملکرد

مناطق آزاد چین توانسته‌اند دامنه فعالیت‌های صادراتی خود را به‌طور قابل‌توجهی گسترش دهند و از طریق ارتقای سطح فناوری و توسعه منطقه‌ای، به ادغام اقتصاد ملی چین با اقتصاد جهانی کمک نمایند. از این منظر، ایجاد مناطق آزاد تجاری به‌عنوان تحولی بزرگ در عرصه سیاسی و اقتصادی چین تلقی می‌شود. افزون بر این، مزایای دیگری نظیر جلوگیری از قاچاق کالا به داخل کشور، افزایش سرمایه‌گذاری، امکان انبارداری بدون مالیات، رفع موانع گمرکی، ترخیص سریع کالا و ... نیز از جمله دستاوردهای فعالیت این مناطق به‌شمار می‌آید.

از دیگر ویژگی‌های مناطق آزاد چین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- برخورداری از روابط بین‌المللی مسالمت‌آمیز و پایبندی به تعهدات بین‌المللی؛
- بهره‌مندی از ثبات اقتصادی و سیاسی داخلی، همراه با قوانین و مقررات مدون و وجود اجماع نظر در زمینه اهداف ایجاد و گسترش نواحی آزاد؛
- حمایت همه‌جانبه دولت؛
- پذیرش اهداف آزادسازی اقتصادی، احترام به مالکیت خصوصی و تأکید بر ضرورت کاهش مداخلات دولتی در امور اقتصادی؛

- بهره‌جویی از شرایط مساعد برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی؛
- به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته و همسو با فعالیت‌های اقتصادی در سطح جهانی؛
- برخورداری از نظام اداری کارآمد و عاری از جنبه‌های بوروکراتیک؛
- دارا بودن قوانین کار هماهنگ با الزامات اقتصاد آزاد؛
- دسترسی به منابع مالی متنوع.

معافیت مالیاتی ترکیه

تأسیس مناطق آزاد در کشور ترکیه به سال ۱۹۸۷ میلادی بازمی‌گردد و در فاصله حدود ۱۵ سال، تعداد این مناطق در این کشور به ۲۱ منطقه رسیده است. مناطق آزاد ترکیه به مناطقی محصور گفته می‌شود که در آنها اقدامات تنظیمی ویژه‌ای برای کاربران فعال به‌منظور ارتقای صادرات کالاها و خدمات در نظر گرفته شده است. این مناطق به‌منظور افزایش حجم تجارت، به‌ویژه صادرات، برای برخی از فعالیت‌های صنعتی و تجاری، فضای تجاری راحت‌تر و انعطاف‌پذیرتری را نسبت به سایر نقاط کشور فراهم می‌آورند.

اهداف

کشور ترکیه با هدف اجرای سیاست‌های تجاری صادرات‌محور، مناطق آزاد را به‌عنوان بخشی از ابزارهای سیاستی

مرتبط با آزادسازی اقتصادی، با اهداف زیر ایجاد کرد:

- افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی؛
- افزایش تولید صادرات‌محور؛
- تسريع در ورود فناوری؛
- توسعه تجارت بین‌المللی.
- مشوق‌های مالیاتی

درآمدهای حاصل از فعالیت‌های تولیدی در مناطق آزاد ترکیه از مالیات بر درآمد معاف است (البته از سال ۲۰۰۹ به بعد، صرفاً تولیدکنندگانی که ۸۵ درصد از تولیدات خود را صادر کنند، از این معافیت برخوردارند). معافیت مالیات بر حقوق ماهیانه پرسنل به میزان ۱۵ تا ۳۵ درصد و معافیت مالیات بر شرکت‌ها به میزان ۲۰ درصد.

کالاها و مواد اولیه‌ای که از سایر کشورها وارد منطقه آزاد می‌شوند، از پرداخت عوارض گمرکی و مالیات بر ارزش افزوده معاف هستند.

خدمات آب، برق، گاز، مخابرات و زیرساخت‌ها از مالیات بر ارزش افزوده معاف می‌باشند. کلیه معاملات و فعالیت‌های بانکی نیز از مالیات معاف هستند.

عملکرد

مناطق آزاد ترکیه زمینه را برای فعالیت شرکت‌های خارجی فراهم آورده‌اند. در خصوص تجارت جهانی نیز همواره میزان صادرات نسبت به واردات در این مناطق بیشتر بوده است؛ اما از آنجا که حجم صادرات در بیشتر سال‌ها به‌صورت صعودی یا نزولی در نوسان بوده، نمی‌توان به‌سادگی گفت که این مناطق توانسته‌اند به منبعی قابل‌اطمینان برای افزایش جریان ارز خارجی تبدیل شوند. در خصوص ایجاد اشتغال، اگرچه این موضوع از اهداف اصلی تأسیس مناطق آزاد در ترکیه نبوده است، با این حال روند اشتغال‌زایی در این مناطق همواره سیر صعودی داشته است.

سایر ویژگی‌ها و مزیت‌ها

▪ تسهیل تجارت از طریق دسترسی به بازارهای داخلی و خارجی، کاهش رویه‌های اداری و افزایش پویایی در امور مدیریتی، ایجاد موقعیت استراتژیک به لحاظ نزدیکی به بازارهای اتحادیه اروپا، خاورمیانه، دریای مدیترانه، دریای اژه و دریای سیاه، دسترسی آسان به فرودگاه‌ها و بزرگراه‌های بین‌المللی؛ برخورداری از استانداردهای زیرساختی رقابتی با استانداردهای بین‌المللی و مدیریت کارآمد زنجیره تأمین، به‌ویژه برای تولیدکنندگان صادراتی، از طریق تأمین مواد اولیه و واسطه‌ای.

معافیت مالیاتی مناطق آزاد هند

کشور هندوستان نخستین منطقه آزاد آسیا را با عنوان «منطقه پردازش صادرات کاندلا» در سال ۱۹۶۵ میلادی تأسیس کرد. هدف اصلی این کشور از ایجاد مناطق پردازش صادرات، توسعه صادرات و افزایش درآمدهای ارزی بود؛ هرچند در کنار این هدف کلان، اهداف دیگری نظیر افزایش سرمایه‌گذاری، ایجاد فرصت‌های شغلی و ایجاد محیط رقابتی بین‌المللی برای تولید کالاها و صادراتی با هزینه‌های پایین‌تر نیز مدنظر قرار داشت. با این حال،

بررسی‌ها حاکی از آن است که کشور هند، به‌ویژه تا پیش از پایان قرن بیستم میلادی، در بهره‌گیری از مناطق آزاد توفیق چندانی به دست نیاورد و سهم مناطق پردازش صادرات هند در کل صادرات این کشور، در مقایسه با سایر مناطق در آسیا و جهان، بسیار ناچیز بوده است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت این مناطق در ایجاد پویایی صادراتی کشور ناموفق بوده‌اند.

مهم‌ترین عللی که برای این ناکامی ذکر شده است، عبارت‌اند از: عدم برخورداری از اهداف مشخص در زمان تأسیس نخستین مناطق، و نیز ناسازگاری و عدم هماهنگی تأسیس مناطق آزاد با راهبرد کلی تجاری کشور تا پیش از آغاز قرن جدید میلادی. با وجود این، عملکرد مناطق پردازش صادرات هند با اصلاحات انجام‌شده در جهت ارائه امکانات بهتر، انگیزش‌های بیشتر و مدیریت کارآمدتر برای بهبود فضای سرمایه‌گذاری و عملکرد مناطق، پیوسته در حال ارتقا بوده است.

اهداف

مناطق آزاد تجاری در هند به‌منظور ایجاد زیربنای مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی شکل گرفته‌اند. در این کشور، زیرساخت‌های اقتصادی نامناسب، مشکلات متعددی را برای شرکت‌ها ایجاد کرده است؛ به‌عنوان نمونه، ایجاد زیرساخت‌های لازم برای فعالیت‌های صنعتی رقابت‌پذیر در سطح جهانی بسیار هزینه‌بر و نیازمند تلاشی بلندمدت خواهد بود. از این‌رو، ایجاد مناطق آزاد با شرایط تسهیل‌کننده برای شرکت‌ها، توانسته است محیطی پویا و عاری از قوانین دست‌وپاگیر برای کسب‌وکارهای مختلف فراهم آورد.

مشوق‌های مالیاتی

- امکان فروش کالاهای تولیدشده به بازار داخلی تا سقف ۵ درصد؛
- ارائه اعتبارات مالی با شرایط آسان؛
- استفاده از جواز صادراتی در صورتی که مواد اولیه از داخل کشور تأمین شده باشد؛
- تخفیف ۵ درصدی در قیمت فروش و اجاره زمین؛
- معافیت حقوق گمرکی به مدت پنج سال؛
- اعمال ۱۰ درصد معافیت مالیات بر درآمد برای پنج سال و ۵ درصد تخفیف برای دو سال بعد از آن؛
- اعمال معافیت مالیات بر ارزش افزوده برای کالاهای صادراتی.

در خصوص کالاهای تولیدشده در مناطق ویژه اقتصادی که در بازار محلی به فروش می‌رسند، مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر فروش قابل اعمال است. همچنین کالاهایی که در سرزمین اصلی تولید شده و از طریق مناطق آزاد تجاری به خارج صادر می‌شوند، از مزایایی نظیر معافیت از پرداخت مالیات‌های محلی (از جمله مالیات بر فروش، مالیات بر ارزش افزوده و ...) و نیز معافیت از پرداخت مالیات بر درآمد (سود) برخوردار می‌گردند. علاوه بر این، ارزش افزوده‌ای که توسط بنگاه‌های مستقر در مناطق آزاد تجاری و از طریق ارائه خدمات تولیدی نظیر بسته‌بندی، بسته‌بندی مجدد، برچسب‌گذاری و سایر خدمات مرتبط با خرید مواد اولیه به‌منظور ایجاد ارزش افزوده، حاصل می‌شود، در فرآیند صادرات مجدد از مالیات‌های محلی معاف بوده و این بنگاه‌ها همچنین از معافیت مالیات بر درآمد ناشی از صادرات مجدد محصولات وارداتی بهره‌مند می‌شوند.

عملکرد

مناطق آزاد هند در تأمین کالاهای ضروری و اساسی مورد نیاز مردم، نقشی مؤثر ایفا میکنند. بر این اساس، شرکت های بسیاری ترغیب شده اند که به منظور کسب سود بالا در این مناطق به فعالیت بپردازند. این شرکتها طیف گسترده ای را شامل میشوند؛ از جمله شرکت های داخلی و خارجی، شرکت های فعال در حوزه معاملات ملکی، و نیز شرکت های دولتی و ایالتی. افزون بر این، وجود این مناطق به افزایش درآمدهای ارزی، ایجاد اشتغال، تسریع در روند تولیدات الکترونیکی و رشد صادرات محصولات مرتبط کمک شایانی نموده است.

معاذات مالیاتی مناطق آزاد کره جنوبی

کره جنوبی در دهه ۱۹۵۰ میلادی، با توجه به پیامدهای جنگ کره، سیاست های صنعتی درونگرا را با تأکید بر بازسازی اقتصادی و تثبیت قیمت ها در دستور کار قرار داد. اما در دهه ۱۹۶۰، با بروز مشکلاتی نظیر بیکاری، تورم و نیز هشدارهای مرتبط با کاهش کمک های اقتصادی آمریکا، توسعه صادرات به عنوان بهترین راهکار برای مقابله با این مسائل تلقی گردید. از اینرو، سیاست اقتصادی دولت از رویکرد بازسازی و تثبیت، به سمت یک برنامه صنعتی شتابان و متکی بر توسعه صادرات تغییر جهت یافت.

به این ترتیب، توسعه صادرات حمایت شده به عنوان مهم ترین راهبرد تجاری کشور مورد توجه قرار گرفت. در این راستا، سیاست هایی به منظور جذب سرمایه گذاری خارجی صادرات گرا وضع شد تا از رقابت با شرکت های داخلی جلوگیری به عمل آید. بر این اساس، ایجاد مناطق پردازش صادرات به عنوان ابزاری مناسب برای جذب سرمایه خارجی و افزایش صادرات مطرح گردید. در راستای این اهداف، تعداد محدودی منطقه تجارت آزاد در سال ۱۹۶۵ تأسیس شد. اهداف عمده ایجاد این مناطق، تسریع در رشد اقتصادی از طریق جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، تشویق صادرات، ایجاد اشتغال و انتقال فناوری اعلام گردید.

مناطق پردازش صادرات کره جنوبی نقش مؤثری در موفقیت راهبرد توسعه صنعتی این کشور ایفا کرده اند. در این رابطه، ایفای نقش به عنوان مرکز رشد و توسعه صنعتی، افزایش قابل توجه صادرات کشور، ایجاد ارتباطات پیشین و پسین مناسب با اقتصاد داخلی، و تحقق هدف توسعه منطقه ای از جمله مهم ترین دستاوردهای مناطق پردازش صادرات در کره جنوبی به شمار می رود. شایان ذکر است که از جمله مهم ترین عوامل موفقیت برنامه های توسعه صادرات در کره جنوبی، نقش دولت در تلفیق دو عنصر همکاری و رقابت بوده است.

به عنوان جمع بندی، می توان ویژگی های مناطق آزاد این کشور را به شرح زیر ذکر کرد:

اهداف

- دولت کره جنوبی مناطق آزاد را در جهت اتخاذ سیاست توسعه صنعتی از طریق ایجاد درهای باز و تشویق صادرات ایجاد نمود. اصلی ترین اهداف کره در ایجاد مناطق آزاد عبارتند از:
- تشویق سرمایه گذاران خارجی به فعالیت در رشته های صنعتی؛
- تولید کالاهای صنعتی با قیمت مناسب؛
- صدور کالا به خارج از کشور؛
- بالا بردن سطح اشتغال؛
- بهبود کیفیت دانش فنی و انتقال فناوری های جدید به کشور.

مشوق‌های مالیاتی

از ابتدای ایجاد مناطق آزاد در کره جنوبی، معافیت دائم از مالیات کسب و کار و مالیات بر ارزش افزوده کالاهای سرمایه‌ای وارداتی برقرار گردید. همچنین شرکت‌ها در پنج سال نخست فعالیت خود در این مناطق، از معافیت کامل مالیات بر درآمد برخوردار شدند. از سال ۱۹۸۴ به بعد، تخفیف ۵ درصدی سه‌ساله حذف گردید و در سال ۱۹۹۱ نیز معافیت پنج‌ساله مالیاتی صرفاً به مناطق پردازش صادراتی محدود شد. از دیگر ابزارهای تشویقی در مناطق پردازش صادراتی کره جنوبی می‌توان به معافیت کامل از حقوق گمرکی و مالیات بر مواد خام، قطعات، اجزاء، ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز برای فعالیت‌های تولیدی در منطقه اشاره کرد.

عملکرد

مناطق آزاد در کره جنوبی از جمله موفق‌ترین مناطق آزاد در جهان شناخته شده‌اند. این مناطق در گسترش صادرات، توسعه اقتصادی مناطق همجوار، و از همه مهم‌تر، هم‌جهت‌سازی اقتصاد کره جنوبی با اقتصاد جهانی از طریق جذب سرمایه‌گذاری و افزایش صادرات، نقش مهمی ایفا کرده‌اند. در حقیقت، یکی از نقاط قوت اقتصاد کره جنوبی را می‌توان در مدیریت هماهنگ و برنامه‌ریزی‌شده این کشور برای بنادر تجاری و مناطق آزاد دانست. با این حال، به دلیل آنکه هدف اصلی این مناطق جذب فناوری پیشرفته است، نمی‌توان به سایر اهداف به همان اندازه این هدف دست یافت.

به‌طور کلی، این مناطق به‌منظور ترویج فعالیت‌های اقتصادی، با ایجاد زیرساخت‌های مناسب حمل‌ونقل، فرودگاه بین‌المللی، و محیط صنعتی، مدیریتی و مسکونی مطلوب، محیطی جذاب برای سرمایه‌گذاران خارجی و شرکت‌های بین‌المللی فراهم آورده‌اند. هر یک از مناطق بر موضوعی خاص تمرکز نموده‌اند و برای پیشبرد اهداف دولت در این زمینه‌ها تلاش می‌کنند. به‌عنوان نمونه، برخی مناطق مانند بوسان و گوانگ‌یانگ، بر تدارکات دریایی، کشتی‌سازی و تولید وسایل مورد نیاز تجارت دریایی متمرکز شده‌اند؛ برخی مناطق دیگر نیز بر تولید و تجارت قطعات خودرو و نیز فعالیت‌های مبتنی بر دانش و آموزش تأکید دارند.

معافیت مالیاتی مناطق آزاد امارات

یکی از مهمترین مناطق آزاد کشور امارات، منطقه آزاد جبل‌علی است که عملیات اجرایی تأسیس آن از سال ۱۹۷۸ آغاز شد و پس از صرف هزینه‌ای بالغ بر ۵/۲ میلیارد دلار برای ایجاد زیرساخت‌ها، در سال ۱۹۸۵ افتتاح و آغاز به فعالیت کرد. در این ارتباط، نکته قابل تأمل آن است که این منطقه آزاد زمانی به بهره‌برداری رسید که تمامی زیرساخت‌های مورد نیاز در آن فراهم شده بود. برق، آب، فرودگاه پیشرفته، دفاتر کار، انبارهای سرپوشیده، سردخانه‌های مجهز، هتل‌ها و شبکه‌های دسترسی جاده‌ای از جمله زیرساخت‌های الزامی در رونق فعالیت‌های اقتصادی یک منطقه آزاد به شمار می‌روند که در جبل‌علی پیش از مرحله بهره‌برداری احداث شدند.

ویژگی دیگری که سبب شده است موقعیتی منحصربه‌فرد برای جبل‌علی در میان تمامی مناطق آزاد جهان فراهم آید، بندر این منطقه آزاد است. بندر جبل‌علی به عنوان یکی از بزرگترین بندرگاه‌های دست‌ساز بشر با ۱۴ کیلومتر پست اسکله و عمق آب‌خور مناسب، شرایط پهلوگیری کشتی‌های بزرگ حمل‌بار و کانتینر را در جهان مهیا کرده است. باید توجه داشت که برخورداری از بندری کارا، قدرتمند و با توان عملیاتی بالا در فعالیت‌های بندری، به ویژه در حوزه ترانزیت کانتینری، یکی از عوامل کلیدی موفقیت مناطق آزاد جهان به شمار می‌رود. به

این ترتیب، کشور امارات با برخورداری از زیرساختهای مناسب و استفاده از قوانین بنادر آزاد، توانسته است به یک مرکز مالی، اقتصادی و تجاری موفق تبدیل شود. در چنین چارچوبی، از ویژگی ها و موقعیت کشور امارات، اهداف، چشم اندازها و مشوق های در نظر گرفته شده برای مناطق آزاد این کشور به شرح زیر است.

اهداف

مناطق آزاد در امارات متحده عربی در امور مختلف اقتصادی، تجاری و گردشگری نقش مهمی ایفا میکنند. به طور کلی، هدف از ایجاد این مناطق، گسترش شرکت های چندملیتی تولیدی، بهبود بنادر و فرودگاه ها، رشد صنایع، و رشد و گسترش کسب وکارهای مختلف می باشد.

مشوق های مالیاتی

- در مناطق آزاد امارات، تسهیلات مالیاتی به شرح ذیل برقرار است:
- معافیت ۱۰۰ درصدی از مالیات صادرات و واردات؛
- بازگشت ۱۰۰ درصدی سرمایه و سود؛
- معافیت مالیات شرکتی به مدت حداقل ۱۵ سال و حداکثر ۵۰ سال از زمان راه اندازی؛
- نرخ صفر درصدی مالیات بر درآمد افراد؛
- عدم وجود مالیات بر سود سرمایه؛
- عدم وجود مالیات بر ارزش افزوده.

عملکرد

محدودیت های سرمایه گذاری خارجی در خارج از منطقه آزاد در امارات از جمله محدودیت در اخذ سهام شرکت ها، محدودیت در بخش توزیع و موانع ورود باعث میشود که انگیزه ها به سمت سرمایه گذاری در مناطق آزاد سوق پیدا کند؛ چرا که محیط قانونی آسان و آزادی مالکیت خارجی، انگیزه هایی برای سرمایه گذاران ایجاد مینماید. بنابراین، مناطق آزاد در امارات، درآمدهای کشور و نیز رشد اقتصادی را افزایش داده و منجر به توسعه و پیشرفت بخش صنعتی و بازرگانی این کشور شده است.

از جمله موارد دیگری که به عنوان نتایج موفقیت این مناطق شناخته میشوند، عبارت اند از:

- افزایش فرصت های شغلی؛
- درآمدهای رقابتی؛
- ایجاد پایگاه دانش قوی؛
- نرخ بالای رشد، امنیت و کیفیت زندگی؛
- دسترسی بالا به سیستم حمل و نقل کارآمد؛
- تسهیل فرایند اخذ مجوز؛
- بهره وری لجستیک به دلیل اثر خوشه های کسب وکار؛
- خدمات پشتیبانی عالی؛
- ارائه خدمات حمایتی

معافیت های مالیاتی مناطق آزاد ایران

بر اساس ماده (۱۳) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی، اشخاص حقیقی و حقوقی که در منطقه به انواع فعالیت های اقتصادی اشتغال دارند، از تاریخ بهره برداری مندرج در مجوز، به مدت ۱۵ سال از پرداخت مالیات بر درآمد و دارایی موضوع قانون مالیات های مستقیم معاف خواهند بود. شایان ذکر است که با اصلاحات بعدی در قانون، مدت زمان این معافیت به ۲۰ سال افزایش یافته است. این معافیت بلندمدت، بدون در نظر گرفتن تمایزی میان فعالیت های تولیدی، خدماتی یا تجاری، به طور یکسان برای کلیه فعالان اقتصادی در مناطق آزاد اعمال میشود؛ رویکردی که اگرچه در ظاهر مشوقی جذاب برای سرمایه گذاران محسوب میگردد، اما از منظر هدفمندسازی مشوق ها و جهت دهی به سرمایه گذاری به سمت فعالیت های مولد و صادرات محور، با نقدهای جدی مواجه است.

معافیت های مالیاتی مناطق آزاد ایران (ادامه)

مطابق ماده ۱۴ قانون مذکور، مبادلات بازرگانی مناطق با خارج از کشور، پس از ثبت گمرکی، از شمول مقررات عمومی صادرات و واردات مستثنا هستند و مقررات صدور و ورود کالا و تشریفات گمرکی در محدوده هر منطقه به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید. همچنین بر اساس بند ۲ مصوبه هیئت وزیران مورخ ۱۶/۱۲/۱۳۸۲، با عنوان «اتخاذ تصمیماتی در خصوص ورود کالا در سال ۱۳۸۲ از مناطق آزاد تجاری-صنعتی به داخل کشور»، سود بازرگانی کالاهایی که به صورت تجاری از مناطق آزاد به سرزمین اصلی وارد میشوند، معادل عوارض دریافتی از کالاهای یادشده توسط مناطق مزبور و حداکثر معادل ۱۵ درصد ارزش سیف کالاهای کاهش مییابد. میزان واردات کالا به این صورت، سالانه حداکثر ۱/۵ میلیارد دلار تعیین شده است.

بر اساس ماده (۱۳) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد که ناظر بر معافیت های مالیاتی فعالان اقتصادی در مناطق آزاد است، تمایزی بین انواع فعالیت های اقتصادی از منظر تولیدی، خدماتی و تجاری وجود ندارد. به عبارت دیگر، نگرش یکسانی بر همه فعالیت ها جاری است و هیچ گونه ارتباطی میان معافیت مالیاتی با عملکرد منطقه یا بنگاه ها از لحاظ صادراتی بودن، میزان جذب سرمایه های خارجی، یا ایجاد اشتغال تعریف نشده است. این رویکرد یکسان، به معنای عدم جهت دهی مشوق ها به سمت فعالیت های مولد و صادرات محور است که خود یکی از آسیب های اساسی ساختار مشوق های مالیاتی در مناطق آزاد ایران محسوب میشود. به عبارت روشنتر، سرمایه گذاری در فعالیتهای تجاری صرفاً وارداتی، همانند سرمایه گذاری در واحدهای تولیدی صادرات محور، از معافیت مالیاتی یکسانی برخوردار است و این امر عملاً انگیزه لازم برای هدایت سرمایه به سمت فعالیت های مولد و اشتغال زا را از بین میبرد و عملاً به نوعی «بهبودی» فعالیت های غیرمولد در مناطق آزاد دامن میزند.

بررسی بندهای ۱، ۲ و ۳ ماده ۵ و بند ۲ ماده ۹ مقررات صادرات، واردات و امور گمرکی مناطق آزاد، و نیز مواد ۱۵، ۱۶ و ۱۷ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، نشان میدهد که تنها امتیاز در نظر گرفته شده برای واردات کالاهایی مانند مواد اولیه، کالاهای واسطه ای و سرمایه ای، تجهیزات و ماشین آلات به مناطق آزاد (با هدف تولید و سرمایه گذاری) در مقایسه با واردات کالاهای مصرفی، صرفاً در عوارض بندری و فرودگاهی خلاصه میشود و تفاوت چشمگیری در سایر حوزه ها مشاهده نمیکرد. این بدان معناست که تفاوت میان کالای سرمایه ای مورد نیاز تولید و کالای مصرفی، تنها در حد چند درصد عوارض جانبی است و نه در هسته اصلی معافیت های مالیاتی و گمرکی.

بررسی تجربه کشورهای موفق در حوزه مناطق ویژه و آزاد اقتصادی از جمله چین، کره جنوبی، ترکیه و مالزی حاکی از آن است که در این کشورها، معافیت ها و تخفیفات مالیاتی و حقوق گمرکی عمدتاً برای واردات مواد خام و اولیه، تجهیزات و ماشین آلاتی که مستقیماً در فرآیند تولید به کار میروند، اعمال میشود و کالاهای مصرفی معمولاً از این معافیت ها بی بهره اند. این رویکرد هدفمند، ضمن تشویق فعالیت های مولد، از ورود بیرویه کالاهای مصرفی به چرخه اقتصادی مناطق آزاد جلوگیری مینماید و عملاً مناطق آزاد را به پایگاهی برای تولید و صادرات تبدیل میکند، نه به مسیری برای واردات آسان کالاهای نهایی. در حالی که در ایران، واردات کلیه کالاها اعم از مصرفی، سرمایه ای، واسطه ای، ماشین آلات، تجهیزات، و مواد خام و اولیه به مناطق آزاد، از پرداخت حقوق ورودی و مالیات بر ارزش افزوده معاف هستند. این رویکرد فراگیر و غیرمتمایز، ضمن کاهش قابل توجه درآمدهای مالیاتی دولت که در شرایط کنونی اقتصاد ایران از اهمیت مضاعفی برخوردار است انگیزه لازم برای جهت دهی به سرمایه گذاری به سوی فعالیت های مولد را نیز تضعیف نموده و عملاً مناطق آزاد را به کانالی برای ورود آسان کالاهای مصرفی به کشور تبدیل کرده است که خود با اهداف اولیه تأسیس این مناطق در تناقض آشکار قرار دارد.

به علاوه، در تدوین سیاست های مالیاتی برای مناطق آزاد باید این نکته را مدنظر داشت که صرف وجود فعالیت اقتصادی در منطقه آزاد، لزوماً بیانگر موفقیت این مناطق و مثبت بودن اثر خالص آن برای کل اقتصاد نیست. هرچند اعطای معافیت مالیاتی به کاهش درآمد دولت منجر میشود، اما باید منافع ایجادشده در منطقه نظیر اشتغال پایدار، انتقال فناوری، رشد صادرات، افزایش بهره وری، و ایجاد ارتباطات پیشین و پسین با اقتصاد داخلی به گونه ای باشد که دولت بتواند از طریق درآمدهای حاصل از این منافع (از جمله مالیات های غیرمستقیم، عوارض، و درآمدهای حاصل از توسعه منطقه ای)، اهداف توسعه ای خود را دنبال کرده و کاهش درآمد مالیاتی مستقیم را تا حد قابل قبولی جبران نماید. به عبارت دیگر، معافیت مالیاتی نباید به عنوان یک امتیاز بدون بازخورد تلقی شود، بلکه باید در چارچوب یک مبادله اقتصادی سودمند برای هر دو طرف (دولت و سرمایه گذار) طراحی گردد. با این همه، عملکرد کشورها در مناطق مختلف جهان حاکی از آن است که مشوق های مالیاتی به عنوان ابزاری کارآمد جهت جذب سرمایه گذاری در مناطق آزاد و تحریک رشد و توسعه اقتصادی، مورد استفاده قرار میگیرند؛ اما آنچه موجب موفقیت یا شکست این سیاست ها میشود، نحوه هدفمندسازی، نظارت و هماهنگی آنها با راهبردهای کلان اقتصادی است.

علاوه بر این، بررسی ها نشان میدهد که برخلاف ایران که معافیت مالیاتی مناطق آزاد به صورت عام و شامل کلیه منابع مالیاتی است، مشوق های مالیاتی این مناطق در سایر کشورها تقریباً به صورت هدفمند طراحی شده و بر اساس ماهیت فعالیت ها، میزان ارزش افزوده، اشتغال زایی، و اهداف تأسیس مناطق آزاد، اعمال میگردد. به عبارت دیگر، در کشورهای با مدیریت موفق مناطق آزاد، ایجاد این مناطق به عنوان بخشی از یک فرایند سیاست گذاری کلان تلقی میشود که به صورت منسجم و هماهنگ با سایر اجزای سیاستگذاری اقتصادی از جمله سیاست های صنعتی، تجاری، ارزی و پولی پیاده سازی و کنترل میگردد؛ فرایندی که نیازمند هماهنگی و مشارکت بین نهادهای در سطح ملی است و همکاری دستگاه هایی نظیر شورای عالی مناطق آزاد، سازمان امور مالیاتی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، اتاق بازرگانی، صنایع و معادن، وزارت صنعت، معدن و تجارت، و استانداری ها را طلب میکند. فقدان این هماهنگی نهادهای در ایران، به موازات معافیت های عام و غیرهدفمند، از جمله موانع جدی تحقق

اهداف توسعه ای مناطق آزاد و تضعیف کارایی این سیاست ها به شمار میرود. به عبارت روشن تر، در غیاب یک نظام نظارتی کارآمد و هماهنگ میان دستگاهی، معافیت های مالیاتی نه تنها به اهداف توسعه ای کمک نمیکند، بلکه به عاملی برای کاهش درآمدهای دولت، افزایش واردات بی رویه، و تضعیف تولید داخلی تبدیل میشود.

تسهیل واردات از مناطق آزاد به سرزمین اصلی

بر اساس قوانین و مقررات مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران، برای ورود تولیدات این مناطق به داخل کشور، منعی برقرار نشده است و واردات این تولیدات به کشور، صرفاً به رعایت مقررات عمومی صادرات و واردات کشور و پرداخت حقوق ورودی مربوطه (با در نظر گرفتن معافیت های ماده ۱۵ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد) منوط شده است. به عبارت دیگر، عملاً تمامی کالاهای تولیدشده در مناطق آزاد اعم از کالاهای با ارزش افزوده بالا یا پایین میتوانند بدون محدودیت کمی به سرزمین اصلی وارد شوند و این امر، یکی از نقاط تمایز اساسی رویکرد ایران در مقایسه با کشورهای موفق در این حوزه محسوب میشود. در حالی که در اغلب کشورهای موفق در حوزه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی از جمله چین، کره جنوبی، ترکیه و مالزی معمولاً تنها درصد مشخصی از کالاهای تولیدشده در مناطق آزاد (اغلب بین ۲۰ تا ۵۰ درصد) اجازه ورود به سرزمین اصلی را دارند و این ورود نیز منوط به پرداخت کامل حقوق گمرکی و رعایت کلیه تشریفات واردات عمومی است. این محدودیت هدفمند، از یک سو، از رقابت ناعادلانه کالاهای تولیدشده در مناطق آزاد با تولیدات داخلی جلوگیری میکند و از سوی دیگر، مناطق آزاد را به سمت تولید برای بازارهای صادراتی سوق می دهد؛ رویکردی که در ایران به دلیل نبود چنین محدودیتی، عملاً مناطق آزاد را به مسیری برای ورود آسان کالاها (اعم از تولیدی یا تجاری) به بازار داخلی تبدیل کرده و انگیزه صادرات محوری را تضعیف نموده است.

چالش های ساختاری و راهبردی مناطق آزاد ایران

مسئله مهم دیگر درباره مناطق آزاد ایران، تعیین اهداف متعدد و در مواردی متناقض برای این مناطق در قانون چگونگی اداره آنهاست. مهم ترین این اهداف شامل توسعه منطقه ای، جذب سرمایه، توسعه صادرات، تولید و ایجاد اشتغال است؛ اما به دلیل فاصله گرفتن مناطق از کارکردهای اصلی اقتصادی خود که همانا تولید صادرات محور و تسهیل تجارت بین المللی است اهداف مذکور یا محقق نشده و یا با عملکردی ضعیف همراه بوده اند. به عبارت دیگر، تعدد اهداف بدون تعیین اولویت ها و سازوکارهای مشخص برای تحقق هر یک، عملاً به موازات یکدیگر پیش نمیروند و در عمل، اولویت ها به سمت فعالیت های تجاری وارداتی کوتاه مدت سوق پیدا کرده است که منافع سریع تری برای سرمایه گذاران به همراه دارد، اما کمترین هماهنگی را با اهداف بلندمدت توسعه ای دارد.

مکان یابی نامناسب مناطق آزاد به لحاظ عدم وجود زیرساخت های کافی و شرایط اولیه مورد نیاز و استقرار آنها در برخی موارد در نواحی جمعیتی و شهری، از دیگر ایرادات اساسی مطرح در این زمینه است. این موضوع، ضمن ایجاد هزینه های اضافی برای تأمین زیرساخت ها، به افزایش التهابات اجتماعی و زیست محیطی در مناطق پیرامونی نیز دامن زده است. در کشورهایی که تجربه موفق در اداره مناطق آزاد دارند مانند چین با منطقه شنژن، امارات با جبل علی، و کره جنوبی با بوسان این مناطق معمولاً در مکان هایی مستقر میشوند که از نواحی جمعیتی فاصله داشته و دارای دسترسی مناسب به بنادر بزرگ، فرودگاه های بین المللی، و شبکه های حمل و نقل جاده

ای و ریلی هستند. این فاصله گذاری، ضمن کاهش هزینه های زیرساختی و زیست محیطی، امکان برنامه ریزی متمرکز و بلندمدت برای توسعه صنعتی و صادراتی را فراهم می آورد. متأسفانه در ایران، برخی مناطق آزاد در نزدیکی کلان شهرها یا در مناطقی با زیرساخت های ناکافی ایجاد شده اند که این امر، هزینه های جاری و سرمایه ای را افزایش داده و کارایی آنها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. به عبارت روشن تر، انتخاب مکان نامناسب، نه تنها به جذب سرمایه گذاری کمک نمیکند، بلکه خود به مانعی جدی برای تحقق اهداف تعیین شده تبدیل میشود. علاوه بر این، مناطق آزاد در کشورهای موفق معمولاً در مکان هایی ایجاد شده اند که از پیش، شرایط اولیه، زیرساخت ها و امکانات لازم برای توسعه را دارا بوده اند؛ به گونه ای که نیازی به صرف هزینه های کلان برای تأمین زیرساخت های اساسی نبوده است. در حالی که در ایران، مناطق آزاد عمدتاً در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته ای نظیر چابهار ایجاد شده اند که فاقد حداقل های ضروری از حیث زیرساخت های حمل و نقل، انرژی، آب، ارتباطات و خدمات پشتیبانی هستند. این انتخاب، اگرچه با هدف توسعه منطقه ای و رفع محرومیت صورت گرفته است، اما در عمل، به دلیل نبود زیرساخت های اولیه، نه تنها به جذب سرمایه گذاری پایدار منجر نشده، بلکه هزینه های سنگین تأمین زیرساخت ها را به دولت تحمیل کرده است.

ضعف در ساختار مدیریتی و تداخل با اداره سرزمین اصلی

ضعف در ساختار مدیریتی مناطق و تداخل مدیریت آنها با اداره سرزمین اصلی، آسیب دیگری است که گریبانگیر مناطق آزاد در کشور شده است. به عبارت دیگر، استقلال عملیاتی لازم برای تصمیمگیری های سریع و کارآمد در این مناطق وجود ندارد و بسیاری از امور، همچنان نیازمند هماهنگی با نهادهای مستقر در پایتخت یا مراکز استانی است که این امر، سرعت و چابکی مورد نیاز برای فعالیت های اقتصادی در مناطق آزاد را به شدت کاهش داده است. بررسی تجربه سال های گذشته نشان میدهد که غالباً انتخاب و تعیین هیئت مدیره سازمان های مناطق آزاد، با ملاحظات مربوط به تخصص اقتصادی، تجارت بین الملل، و مدیریت صنعتی صورت نگرفته است و بعضاً انتصابات بر اساس ملاحظات غیرتخصصی انجام شده است. همچنین، با وجود تأکید قانون برنامه پنجم توسعه بر تعیین مدیران سازمان های مناطق آزاد به عنوان بالاترین مقام این سازمان ها، همچنان ناهماهنگی های قابل توجهی در حوزه مدیریت دستگاه های مختلف در مناطق آزاد کشور وجود دارد که از جمله میتوان به هم پوشانی وظایف، تعدد مراجع تصمیم گیر و عدم شفافیت در سلسله مراتب مدیریتی اشاره کرد.

پیامدهای ساختاری بر کارایی معافیت ها

این ویژگی های ساختاری اعم از مکانیابی نامناسب، ضعف زیرساخت ها، ناکارآمدی مدیریتی، و تداخل نهادی موجب گردیده است که مناطق آزاد ایجاد شده در نواحی مختلف کشور نتوانند به اهداف معین خود دست یابند. در چنین شرایطی، مشوق هایی نظیر معافیت های مالیاتی بلندمدت و گسترده، نمیتوانند کارکرد صحیح خود را ایفا نمایند و انتظاراتی که از آنها در پیشبرد اهداف توسعه، جذب سرمایه، و افزایش صادرات میرود، به سرانجام مطلوبی نخواهد رسید. به عبارت روشن تر، معافیت مالیاتی به تنهایی بدون همراهی با سایر مؤلفه های موفقیت نظیر مدیریت کارآمد، زیرساخت های مناسب، شفافیت قوانین، و هماهنگی نهادی نه تنها نمیتواند محرک توسعه باشد، بلکه در بسیاری از موارد، به عاملی برای هدررفت منابع مالی دولت و ایجاد رانت برای فعالیت های غیرمولد تبدیل میشود.

تحلیل هزینه فایده و درآمدهای از دست رفته

در واقع، با وجود آسیب های جدی در حوزه مدیریتی، اجرایی، عملکردی و فرایندی مناطق آزاد ایران، اعطای معافیت های مالیاتی به صورت عام و گسترده در این مناطق، اقدامی سیاست گذاری مطلوب و منطقی به نظر نمیرسد؛ چرا که چنین معافیتی، در یک تحلیل هزینه فایده، به طور قطع دارای هزینه هایی بیش از منافعش خواهد بود. به عبارت دیگر، معافیت های مذکور، در عمل، به نوعی «مخارج مالیاتی» برای دولت تبدیل میگردند؛ به این معنا که درآمدهایی هستند که دولت از وصول آنها صرفنظر کرده و بهعنوان «درآمد از دست رفته» در بودجه سالانه محاسبه میشوند. این درآمدهای از دست رفته، در شرایطی که دولت با کسری بودجه، محدودیت های مالی و نیاز فزاینده به منابع برای تأمین زیرساخت ها و خدمات عمومی مواجه است، میتواند به بهبود وضعیت معیشتی، اشتغالزایی و توسعه زیرساخت های ملی اختصاص یابد. بنابراین، در غیاب اصلاحات ساختاری از جمله بهبود مدیریت، شفافیت، هدفمندسازی مشوق ها، و ایجاد هماهنگی بین نهادهای ادامه سیاست معافیت های مالیاتی عام و گسترده، نه تنها کمکی به تحقق اهداف مناطق آزاد نخواهد کرد، بلکه بار مالی مضاعفی را بر دوش دولت و در نهایت بر اقتصاد ملی تحمیل مینماید. از این منظر، بازنگری اساسی در سیاست های مالیاتی مناطق آزاد، با هدف جایگزینی معافیت های عام با مشوق های هدفمند و مبتنی بر عملکرد، یکی از ضرورت های اجتناب ناپذیر برای اصلاح نظام مناطق آزاد کشور محسوب میشود.

جمع بندی

بررسی تجربه کشورهای مختلف در حوزه مناطق آزاد، همراه با تحلیل ویژگی ها و وضعیت موجود مناطق آزاد در ایران، به این واقعیت اساسی منتهی می شود که اعطای معافیت مالیاتی به صورت عام، گسترده و غیرهدفمند، الگویی است که دست کم در کشورهای با عملکرد موفق در مدیریت مناطق آزاد مشاهده نمی شود. در این کشورها، معافیت های مالیاتی به عنوان ابزاری هدفمند و در راستای اهداف و مأموریت های مشخصی که برای هر منطقه تعریف شده است، طراحی و اعمال می گردد. این مشوق ها به گونه ای تدوین می شوند که بتوانند منطقه را در دستیابی به مأموریت های محوله نظیر توسعه صادرات، جذب سرمایه گذاری خارجی، انتقال فناوری، یا اشتغالزایی در بخش های خاص یاری نمایند و همواره با سازوکارهای نظارتی و ارزیابی عملکرد همراه هستند. در مقابل، سیاست گذار در ایران، بدون آنکه ابتدا اهداف روشن، منطقی و مأموریت های مشخصی برای مناطق آزاد تعریف کرده باشد، اقدام به اعطای مشوق ها و معافیت های مالیاتی عام و یکسان برای تمامی فعالیت های اقتصادی در این مناطق نموده است. این رویکرد، نه تنها نتوانسته است به تحقق اهداف مبهم و بعضاً متناقض تعیین شده کمک نماید، بلکه خود به عنوان عاملی برای ایجاد چالش های جدی در مسیر همان مأموریت های نامشخص نیز عمل کرده است. به عبارت دیگر، فقدان شفافیت در اهداف، عدم هماهنگی میان دستگاه های متولی، و نبود سازوکارهای نظارت و ارزیابی، باعث شده است که معافیت های مالیاتی نه به عنوان اهرمی برای توسعه، بلکه به عنوان منبعی برای کاهش درآمدهای دولت، افزایش واردات بی رویه، و تضعیف تولید داخلی عمل نمایند.

بنابراین، جمع بندی نهایی آن است که هرگونه اصلاح در نظام مالیاتی مناطق آزاد ایران، باید با بازتعریف دقیق اهداف و مأموریت های هر منطقه، تدوین مشوق های هدفمند و مبتنی بر عملکرد، ایجاد هماهنگی نهادی، و

تقویت سازوکارهای نظارت و ارزیابی، همراه باشد. تنها در چنین چارچوبی است که معافیت‌های مالیاتی می‌توانند به‌عنوان ابزاری کارآمد، در خدمت توسعه اقتصادی پایدار و تحقق اهداف کلان نظام قرار گیرند و از وضعیت کنونی که بیشتر به هدررفت منابع مالی و ایجاد رانت شباهت دارد، خارج شوند.

نتایج حاصل از مطالعه تجارب کشورهای مختلف در حوزه مناطق آزاد، همراه با مرور ادبیات نظری موجود در این زمینه، نشان می‌دهد که معافیت عام و گسترده مالیاتی در مناطق آزاد، نمیتواند به‌عنوان بخشی از نظام مالیاتی مبنای یک کشور در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، معافیت مالیاتی نباید به‌عنوان یک قاعده دائمی و فراگیر تلقی گردد، بلکه باید به‌عنوان ابزاری موقت، هدفمند و مشروط، در راستای تحقق اهداف مشخص و با دوره زمانی معین طراحی و اجرا شود. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که این مشوق‌ها همواره با شرایط خاص، الزامات عملکردی، و سازوکارهای نظارت و ارزیابی همراه بوده‌اند و به محض دستیابی به اهداف تعیین شده یا شناسایی ناکارآمدی، مورد بازنگری یا حذف قرار گرفته‌اند.

از سوی دیگر، در مناطق آزاد ایران، فقدان زیرساخت‌های کافی، ضعف در تأمین ملزومات نهادی و حقوقی، و نبود هماهنگی میان دستگاه‌های متولی، موجب گردیده است که این مناطق نتوانند از عملکرد مناسبی در مقایسه با مناطق آزاد موفق در سطح جهان برخوردار شوند. این مسائل ساختاری، در کنار چالش‌های دیگری نظیر تغییرات مکرر رویه‌ها در قوانین و مقررات، قائل شدن نقش‌های حاکمیتی فراتر از کارکردهای اقتصادی مرسوم (از جمله مسئولیت‌های عمران و آبادانی)، و نیز قرار گرفتن مناطق مسکونی در محدوده این مناطق، باعث شده است که ویژگیهای مناطق آزاد در ایران به‌طور قابل توجهی از مناطق آزاد در سایر نقاط جهان متمایز گردد. این تمایز، که ریشه در تفاوت‌های بنیادین در اهداف، ساختار، و بسترهای اجرایی دارد، قابلیت مقایسه مستقیم عملکرد این مناطق در ایران با بقیه جهان و نیز امکان اعمال مشوق‌های مالیاتی مشابه با آنها را با تردید جدی مواجه می‌سازد. بنابراین، صرفاً قرار نگرفتن معافیت عام مالیاتی مناطق آزاد به‌عنوان جزئی از نظام مالیاتی مبنای، نمیتواند توصیه قطعی این گزارش تا بدین جا باشد؛ چرا که پیش از هرگونه تصمیم‌گیری در خصوص ادامه، اصلاح یا حذف این معافیت‌ها، باید به بررسی عمیق‌تر و چندوجهی آثار و پیامدهای آن پرداخته شود. بر همین اساس، در ادامه و در گام‌های تعریف شده این پژوهش، در بخش بعدی، مصاحبه‌هایی با افراد صاحب نظر در حوزه‌های مناطق آزاد و مالیات انجام شده است تا از طریق گردآوری دیدگاه‌های ذینفعان کلیدی، ابعاد پنهان موضوع، آثار و پیامدهای اعمال معافیت، و نیز نتایج احتمالی حذف یا اصلاح آن، بیش از پیش مورد کنکاش و واکاوی قرار گیرد. این رویکرد مشارکتی، ضمن غنی‌سازی تحلیل، امکان دستیابی به توصیه‌های سیاستی عملیاتی‌تر و متناسب با شرایط بومی ایران را فراهم خواهد آورد.

سوال زمان معافیت مالیاتی مناسب برای مناطق آزاد بر اساس تجربیات دیگر کشورها چه میزان است؟

تجربه کشورهای مختلف در حوزه مناطق آزاد نشان می‌دهد که معافیت‌های مالیاتی در اغلب آنها به صورت عام و یکسان اعمال نمی‌شود، بلکه به صورت جهتدار، هدفمند و مبتنی بر اولویت‌های توسعه‌ای طراحی می‌گردند. با این حال، حتی این معافیت‌های هدفمند نیز گاهی به صورت دائمی و بدون محدودیت زمانی اعطا می‌شوند. به طور کلی، دامنه زمانی معافیت‌های هدفمند در جهان، از حداقل پنج سال آغاز شده و در برخی موارد، به صورت دائم و نامحدود تداوم می‌یابد. با وجود این، میتوان حالت‌های مختلفی را برای زمان و چگونگی اعطای معافیت مالیاتی در نظر گرفت که هر یک متناسب با شرایط خاص هر کشور و منطقه قابل طراحی و اجراست:

حالت اول:

معافیت کامل با مدت زمان متفاوت بر اساس ویژگی های هر منطقه

در این حالت، معافیت به طور کامل و صددرصدی به مناطق اعطا میشود، اما مدت زمان آن برای هر منطقه، متفاوت در نظر گرفته میشود. این رویکرد مبتنی بر این واقعیت است که ساختار، مزیتها، زیرساخت ها و مقتضیات مکانی و زمانی هر منطقه آزاد با دیگری تفاوت دارد و بنابراین، باید به تناسب شرایط خود، مورد برخورد سیاستی متمایزی قرار گیرد. در واقع، تجویز یک سیاست واحد و یکسان برای همه مناطق، نه تنها کارآمد نیست، بلکه ممکن است به هدررفت منابع و ناکارآمدی منجر شود. بر این اساس، میزان معافیت و مدت آن در هر منطقه، باید بر اساس مزیت های نسبی، مقتضیات زمانی و مکانی، و نیز جهت گیری های سیاست گذار که مشخص میکند بر اساس مزیت هر منطقه، چه میزان حمایت برای تحقق اهداف توسعه آن منطقه لازم است تعیین گردد.

حالت دوم:

معافیت یکسان برای همه مناطق با جدول زمانی پلکانی

در این رویکرد، معافیت برای مناطق مختلف، به طور یکسان در نظر گرفته میشود، اما بر اساس جدول زمانی متفاوت و پلکانی، طراحی میگردد. به این معنا که زمانی که یک فعالیت اقتصادی در منطقه آغاز میشود، ممکن است در سال های نخست به حمایت بیشتری نیاز داشته باشد؛ اما با گذشت زمان و تقویت بنیه اقتصادی و کسب توان رقابتی، به تدریج نیاز کمتری به حمایت پیدا کند. بنابراین، نرخ های معافیت میتوانند به گونه ای طراحی شوند که برای مثال، در ۵ سال اول، معافیت کامل (۱۰۰ درصد)، در ۵ سال دوم، معافیت کاهشی (مثلاً ۵۰ درصد)، در ۵ سال سوم، معافیت کمتر (مثلاً ۲۵ درصد)، و در نهایت پس از یک دوره معین (مثلاً ۲۰ سال)، به طور کامل حذف گردد. این الگوی پلکانی، ضمن حمایت از فعالیت ها در دوران شکل گیری، آنها را برای استقلال از حمایت های دولتی و ورود به عرصه رقابت، آماده میسازد.

حالت سوم:

معافیت هدفمند مبتنی بر جهت گیری های راهبردی دولت

در این حالت، معافیت های مالیاتی از ابتدا به گونه ای طراحی میشوند که تنها فعالیت هایی که مورد نظر دولت بوده و با اولویت های راهبردی ملی هم خوانی دارند، از آنها بهره مند گردند. برای نمونه، در کشور چین، جهت گیری معافیت های مالیاتی به سمت فعالیت های مبتنی بر فناوری های پیشرفته و دانش بنیان است؛ به گونه ای که هرچه فناوری به کار گرفته شده در فعالیت، پیشرفته تر و نوآورانه تر باشد، از معافیت مالیاتی بیشتری نیز برخوردار میگردد. این رویکرد، ضمن هدایت سرمایه ها به سمت بخش های راهبردی، از پراکندگی منابع جلوگیری کرده و مناطق آزاد را به کانون های توسعه فناوری و نوآوری تبدیل مینماید.

حالت چهارم:

معافیت ۲۰ ساله با تبدیل تدریجی به حمایت متمرکز بر تولید و صادرات

این حالت، در واقع الگوی موجود در قانون مدیریت مناطق آزاد ایران است که بر اساس آن، معافیت مالیاتی به مدت ۲۰ سال به صورت عام اعمال میشود و پس از پایان این دوره، معافیت ها به صورت پلکانی و جهت دار

ادامه میباند و در نهایت، پس از طی یک دوره معین، تنها به فعالیت های تولیدی و صادراتی محدود میگردند. در این الگو، حمایت های مالیاتی در بلندمدت، از حالت عام و فراگیر خارج شده و به سمت فعالیت های مولد و صادرات محور متمرکز میشود که خود میتواند گامی در جهت هدفمند سازی مشوق ها و کاهش هزینه های دولت محسوب گردد.

بر اساس تجربیات بین المللی و تحلیل حالت های مختلف، میتوان نتیجه گرفت که زمان معافیت مالیاتی مناسب برای مناطق آزاد، نمیتواند به صورت نسخه ای واحد و قطعی برای همه کشورها و مناطق تجویز شود؛ بلکه باید بر اساس مزیت های نسبی، سطح توسعه زیرساخت ها، اهداف راهبردی، و ظرفیت های هر منطقه، به صورت انعطافپذیر و متناسب با شرایط بومی طراحی گردد. با این حال، آنچه در تمامی تجارب موفق مشترک است، عبارت است از: هدفمند بودن مشوق ها، محدود بودن دوره معافیت (یا حداقل دارای جدول زمانی مشخص)، وجود سازوکارهای نظارت و ارزیابی عملکرد، و ارتباط مستمر میان میزان معافیت با دستاوردهای واقعی منطقه از حیث اشتغال، صادرات، جذب سرمایه و انتقال فناوری. بنابراین، توصیه میشود که در ایران نیز، به جای ادامه رویکرد معافیت عام و بلندمدت کنونی، نظام مالیاتی مناطق آزاد به سمت مدل های ترکیبی هدفمند و مبتنی بر عملکرد، با دوره های زمانی مشخص و قابل بازنگری، بازطراحی گردد.

حالت پنجم:

نرخ های ترجیحی دائمی و هدفمند به جای معافیت کامل

در این حالت، به جای اعطای معافیت کامل، نرخ های ترجیحی مالیاتی برای مناطق آزاد در نظر گرفته میشود که به صورت دائمی و بدون قید زمان اعمال میگردند. با این حال، این نرخ های ترجیحی نباید بهمعنای معافیت کامل و عام باشند، بلکه باید به صورت هدفمند، محدود و متمرکز بر فعالیت های مشخص طراحی شوند. همچنین، برای جلوگیری از بروز نابرابری و رانت، این شرایط باید برای همه مناطق آزاد به طور یکسان اعمال گردد. به عبارت دیگر، فعالیت های هدف معافیت باید در همه مناطق مشابه بوده و برخی فعالیت ها در یک منطقه و برخی دیگر در منطقه دیگر، مشمول معافیت بیشتری نشوند؛ زیرا در غیر این صورت، چنین تصمیماتی میتواند زمینه ساز سیاست های رانتی و فشارهای سیاسی گردد. برای مثال، ممکن است ذینفعان در برخی مناطق، برای سهم خواهی بیشتر از این مشوق ها، اقدام به لابیگری و اعمال نفوذ نمایند و معافیت های مالیاتی بیشتری را برای مناطق خود مطالبه کنند که این امر، نه تنها به عدالت مالیاتی لطمه میزند، بلکه کارایی کل نظام مناطق آزاد را نیز کاهش میدهد.

حالت ششم:

معافیت زمانی پلکانی با رویکرد رقابتی و تطبیق پذیری

با توجه به رقابت مناطق آزاد کشور با مناطق آزاد کشورهای همسایه و با در نظر گرفتن این نکته که مدت زمان معافیت مالیاتی در ایران به طور متوسط کمتر از آنهاست، در این حالت پیشنهاد میشود که برای حفظ وضعیت رقابتی مناطق آزاد کشور، معافیت عام مالیاتی به مدت ۲۰ سال در نظر گرفته شود. پس از اتمام این مدت، تمدید معافیت صرفاً برای فعالیت های تولیدی و معدنی و به مدت ۱۰ سال دیگر (جمعاً ۳۰ سال) انجام گیرد. بعد از پایان این ۱۰ سال، ادامه معافیت به صورت پلکانی اعمال شود؛ به این ترتیب که پس از اتمام دوره ۳۰ ساله، مؤدی به مدت ۵ سال (یعنی از سال ۳۱ تا ۳۵) به تدریج سهمی از مالیات مشمول را پرداخت نماید تا بتواند در این دوره

انتقالی، خود را با شرایط غیرحمایتی و رقابت کامل تطبیق دهد. در نهایت، بعد از ۳۵ سال حمایت و برخورداری از مزیت معافیت مالیاتی، این حمایت به طور کامل برداشته میشود. بر این اساس، فعال تولیدی و معدنی در سال ۳۱ به میزان ۲۰ درصد، در سال ۳۲ به میزان ۴۰ درصد، و در سال ۳۵ به میزان ۱۰۰ درصد مالیات مشمول را پرداخت خواهد کرد. فعالان سایر بخش ها (غیرتولیدی) نیز بعد از اتمام سال ۱۲۰م، به صورت کامل مشمول پرداخت مالیات میشوند. این رویکرد، ضمن حفظ رقابت پذیری مناطق در کوتاه مدت، به تدریج آنها را برای استقلال از حمایت های دولتی و ورود به چرخه رقابت کامل، آماده میسازد.

حالت هفتم:

معافیت عام تا نقطه اشباع سرمایه گذاری

این حالت بر این موضوع تأکید دارد که باید معافیت عام و فراگیر برای فعالیت های مختلف اقتصادی در مناطق آزاد اعمال شود؛ چرا که فعالیت های مختلف در قالب زنجیره های ارزش به هم متصل، در کنار یکدیگر معنا پیدا میکنند و نمیتوان برخی از حلقه های زنجیره را مشمول معافیت کرد و برخی دیگر را از آن محروم نمود. با این حال، مدت این معافیت ها نباید دارای زمان از پیش تعیین شدهای باشد؛ بلکه معافیت های عام باید تا زمانی که سرمایه گذاری در مناطق آزاد به نقطه اشباع نرسیده است، ادامه یابد. به عبارت دیگر، تا زمانی که ظرفیتهای سرمایه گذاری در منطقه تکمیل نشده و هنوز زمینه برای جذب سرمایه گذاران جدید وجود دارد، معافیت ها به عنوان مشوق اصلی، پایدار میمانند. بعد از نقطه اشباع، فرایند خودتنظیمی آغاز میشود و در این نقطه است که دولت میتواند با شروع این فرایند، از فعالیت ها مالیات اخذ نماید و به تدریج نظام مالیاتی عادی را جایگزین مشوق های موقت کند.

آنچه از بررسی و تحلیل موارد هفتگانه فوق میتوان برداشت کرد، این است که هیچ یک از صاحبان ظرانی که حالت های مختلف اعطای معافیت مالیاتی را توصیه کرده اند، معافیت عام و دائم مالیاتی را به طور همزمان برای مناطق آزاد پیشنهاد نمیکند. به عبارت دیگر، در میان تمامی الگوهای ارائه شده، هیچیک از رویکردها، ترکیب «عام بودن» و «دائم بودن» را به عنوان یک سیاست مطلوب تأیید نمیکند؛ چرا که چنین ترکیبی، نه تنها به کاهش بی رویه درآمدهای دولت میانجامد، بلکه انگیزه های لازم برای کارآمدی، بهره وری و رقابتپذیری را نیز از میان برمیدارد. بر این اساس، دائم بودن معافیت تنها در صورتی قابل توجیه و پذیرش است که به صورت هدفمند و از طریق نرخ های ترجیحی و نه معافیت کامل اعمال شود؛ به گونه ای که فعالیت های مختلف، بر اساس میزان ارزش افزوده، اشتغال زایی، صادرات، یا انتقال فناوری، از نرخ های مالیاتی متفاوت و تشویقی برخوردار گردند، اما هیچ فعالیتی به طور کامل و دائمی از پرداخت مالیات معاف نباشد. این رویکرد، ضمن حفظ انگیزه های سرمایه گذاری، درآمدهای مالیاتی دولت را نیز تا حد قابل قبولی تأمین میکند.

در مقابل، معافیت عام یعنی معافیت یکسان و فراگیر برای همه فعالیت ها به هیچ وجه مورد توصیه صاحب نظران قرار نمیگیرد؛ و در صورتی که چنین معافیتی به هر دلیل اعمال شود، باید به لحاظ زمانی محدود بوده و دارای دوره مشخصی باشد. به عبارت دیگر، معافیت عام صرفاً میتواند به عنوان یک مشوق موقت و در دوره آغازین فعالیت مناطق آزاد (مثلاً ۵ تا ۱۰ سال نخست) در نظر گرفته شود و پس از سپری شدن این دوره، فعالیت های مستقر در مناطق باید به تدریج مشمول مالیات کامل و یا نرخهای ترجیحی گردند. این رویکرد ترکیبی، ضمن

فراهم کردن فرصت لازم برای شکلگیری و رشد اولیه فعالیت ها، از تداوم اتکا به حمایت های دولتی جلوگیری کرده و مناطق را به سمت خودکفایی، بهره وری و رقابت پذیری پایدار سوق میدهد.

بنابراین، می توان چنین جمع بندی کرد که الگوی مطلوب برای نظام مالیاتی مناطق آزاد، باید بر اساس هدفمندی، موقت بودن (یا دارای دوره انتقالی مشخص)، و انعطاف پذیری طراحی شود؛ به گونه ای که از یکسو، مشوق های لازم برای جذب سرمایه و توسعه فعالیت های مولد فراهم آید، و از سوی دیگر، از ایجاد رانت، کاهش درآمدهای دولت، و تضعیف عدالت مالیاتی جلوگیری به عمل آید. هرگونه انحراف از این اصول، به ویژه در قالب معافیت عام و دائم، نه تنها با تجارب موفق جهانی همخوانی ندارد، بلکه در شرایط اقتصادی ایران، میتواند به هدررفت منابع ملی و تشدید نابرابری های اقتصادی دامن بزند.

آیا امکان تخصصی شدن مناطق آزاد فعلی و تمرکز مالیاتی بر حسب فعالیت غالب مناطق آزاد وجود دارد؟

تجربه کشورهای دیگر نشان میدهد که در اغلب آنها، تخصصی شدن مناطق آزاد بر اساس فعالیت های غالب، محقق شده و این امر کاملاً ممکن و عملیاتی است. در سطح جهان، نمونه های متعددی از مناطق آزاد تخصصی وجود دارد؛ از جمله مناطق آزاد صادرات محور، مناطق آزاد فناوری برتر، مناطق آزاد متمرکز بر مبادلات مالی، و مناطق آزاد تخصصی در حوزه فناوری اطلاعات که هر یک با اهداف و مأموریت های مشخصی ایجاد شده و به فعالیت خود ادامه میدهند.

امکان پذیری تخصصی شدن در ایران و تفاوت رویکرد برای مناطق موجود و جدید

در ایران نیز امکان تخصصی کردن مناطق آزاد وجود دارد، اما فرایند تخصصی شدن برای مناطق آزاد موجود و مناطقی که در شرف ایجاد هستند، باید متفاوت باشد. مناطق آزاد موجود، با محدودیتها و قیود ناشی از ساختار فعلی، قراردادهای پیشین، و نوع فعالیتهای مستقر، همراه هستند و این محدودیتها، تخصصی شدن آنها را تا حدودی دشوار و پرهزینه ساخته است. به عبارت دیگر، هرگونه تغییر سیاست در این مناطق، با تبعات و پیامدهایی نظیر واکنش سرمایه گذاران، خروج سرمایه، و اختلال در فعالیت های جاری، همراه خواهد بود. با توجه به وضعیت کنونی اقتصاد کشور و نیز شرایط حساس مناطق آزاد، سرمایه گذاران ممکن است در واکنش به سیاست های تخصصی سازی شتابزده، از این مناطق خارج شوند که این امر، به خروج سرمایه از کشور دامن خواهد زد؛ موضوعی که در شرایط فعلی نیز تا حدی در حال رخ دادن است.

راهکارهای پیشنهادی برای مناطق آزاد موجود

برای جلوگیری از این خروج سرمایه و مدیریت فرایند تخصصی سازی، باید وضعیت موجود را تا حد ممکن حفظ نمود و در عین حال، نظارت بر عملکرد مناطق آزاد را به طور جدی تقویت کرد. در مورد مناطق موجود، رویکرد مطلوب آن است که بر روی تک تک واحدها و فعالیتهای مستقر، تمرکز نظارتی و ارزیابی داشت و پس از اتمام دوره معافیت عام بیست ساله، مشوق های بعدی بر اساس نوع فعالیت، عملکرد واقعی، و مزیت های نسبی هر منطقه، به هر یک از فعالان اعطا گردد. همچنین، میتوان برای برخی از فعالیت ها، مالیات پلکانی وضع کرد؛ به گونه ای که برخی فعالیت ها کاملاً معاف از مالیات، برخی با نرخ های ترجیحی، و برخی نیز کاملاً مشمول مالیات کامل باشند. در این صورت، تخصصی شدن مناطق موجود به مرور زمان و به صورت تدریجی و با کمترین هزینه اجتماعی و اقتصادی، اتفاق خواهد افتاد.

رویکرد مناسب برای مناطق آزاد جدید

در مورد مناطق آزاد جدید، تخصصی سازی باید از ابتدا به عنوان یک اصل اساسی در طراحی و ایجاد آنها مدنظر قرار گیرد؛ زیرا هزینه های اجرایی و تطبیقی این رویکرد در مناطق جدید، به مراتب کمتر از مناطق موجود است. با این حال، معافیت مالیاتی در این مناطق جدید، در سالهای نخست، میتواند به صورت عام اعطا شود تا سرمایه گذاران جذب گردند. اما به محض اینکه روند تخصصی شدن در منطقه جدید به بلوغ و تکامل رسید، معافیت ها نیز به تبع آن، تخصصی و هدفمند خواهند شد. در آن شرایط، دیگر معافیت عام برای هر فعالیتی در منطقه آزاد، معنایی نخواهد داشت و مشوق ها صرفاً به فعالیت های همسو با مأموریت تخصصی منطقه، اختصاص مییابد. در کنار این رویکردها، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که معتقد است تخصصی شدن فعالیت ها و معافیت های مالیاتی در مناطق آزاد چه در مناطق موجود و چه در مناطق تازه تأسیس تنها در صورتی میتواند به درستی اتفاق بیفتد که سرمایه گذاری در زیرساخت ها و توسعه فعالیت ها در آن منطقه، به سطح اشباع رسیده باشد. به عبارت دیگر، تا زمانی که ظرفیت های سرمایه گذاری در منطقه تکمیل نشده و هنوز زمینه برای جذب سرمایه گذاران در حوزه های مختلف وجود دارد، تخصصی سازی شتاب زده و اعمال محدودیت های مالیاتی مبتنی بر فعالیت، میتواند به شکل گیری ناقص زنجیره ارزش تولید منجر شود و عملاً از توسعه متوازن منطقه جلوگیری نماید. در این دیدگاه، تخصصی سازی باید پس از اشباع سرمایه گذاری و ایجاد بسترهای لازم، به صورت تدریجی و با حفظ انعطاف پذیری، صورت پذیرد.

به طور کلی، تخصصی شدن مناطق آزاد بر اساس فعالیت های غالب، امری ممکن و تجربه شده در سطح جهانی است. با این حال، اجرای آن در ایران، نیازمند رویکردی متفاوت و متناسب با شرایط مناطق موجود و جدید است. در مناطق موجود، باید از هرگونه شتابزدگی پرهیز کرده و با حفظ ثبات و تقویت نظارت، به تدریج و پس از پایان دوره های معافیت، مشوق ها را هدفمند و متمرکز بر فعالیت های برتر و دارای مزیت نسبی نمود. در مناطق جدید، میتوان از ابتدا رویکرد تخصصی را مبنا قرار داد، اما با حفظ معافیت عام در سال های نخست، و سپس حرکت به سمت هدفمندسازی تدریجی. همچنین، باید توجه داشت که تخصصی سازی مالیاتی، نباید به بهای مخدوش کردن زنجیره ارزش و ایجاد اختلال در فرایند تولید انجام شود؛ بلکه باید به گونه ای طراحی گردد که ضمن حفظ انگیزه های سرمایه گذاری، زمینه توسعه متوازن و پایدار را فراهم آورد.

چند نکته و بحث کلیدی

تأمین مواد اولیه از سرزمین اصلی و ضرورت اعمال معافیت‌های مالیاتی

به طور کلی، زمانی که مواد اولیه از داخل کشور (سرزمین اصلی) تأمین میشود و برای تولید محصول نهایی در منطقه آزاد مورد استفاده قرار میگیرد، اعمال معافیت مالیاتی و گمرکی برای آن قابل توجه و ضروری به نظر میرسد. دلیل اصلی این امر، آن است که مناطق آزاد در شرایط کنونی اقتصاد کشور، به شدت نیازمند جذب سرمایه گذاری هستند و این نوع معافیت ها میتوانند به عنوان ابزاری مؤثر برای ترغیب سرمایه گذاران به فعالیت در این مناطق عمل کنند. به عبارت دیگر، در غیاب چنین مشوق هایی، هزینه تمام شده تولید در مناطق آزاد افزایش یافته و جذابیت سرمایه گذاری در آنها به طور چشمگیری کاهش مییابد.

افزون بر این، معافیت مذکور، دارای مزایای کلان دیگری نیز هست؛ از جمله اینکه از خروج مواد خام و خام فروشی از کشور به خارج جلوگیری نموده و به حفظ منابع طبیعی و معدنی کشور کمک میکند. همچنین، با تشویق تولید داخلی در مناطق آزاد، زمینه های ایجاد اشتغال پایدار، شکل گیری ارزش افزوده جدید، و رونق اقتصادی را برای کشور فراهم میآورد. به عبارت روشن تر، این معافیت، ضمن حمایت از تولید در مناطق آزاد، از هدررفت سرمایه های ملی در قالب صادرات مواد خام تصفیه نشده، جلوگیری کرده و به تکمیل زنجیره ارزش در داخل کشور کمک مینماید.

بنابراین، با توجه به مزایای یادشده شامل جذب سرمایه، جلوگیری از خامفروشی، ایجاد اشتغال و ارزش افزوده، و رونق اقتصادی اعمال معافیت مالیاتی و گمرکی برای مواد اولیه تأمین شده از داخل، اقدامی منطقی، کارآمد و همسو با اهداف توسعه ای مناطق آزاد و اقتصاد ملی به نظر میرسد.

امکان اصلاح و حذف معافیت‌های مالیاتی در مناطق آزاد

در مناطق آزاد کشورهای دیگر، عمده معافیت ها بر مالیات بر درآمد متمرکز است و آن نیز عمدتاً بر درآمد شرکتها و اشخاص حقوقی اعمال میشود، نه اشخاص حقیقی. همچنین، معافیت ثروت و دارایی در این مناطق معمولاً موضوعیت چندانی ندارد و در عمل، چنین معافیتی برای آنها در نظر گرفته نمیشود. در مورد مالیات بر ارزش افزوده، برخی از کشورها معافیت هایی را اعمال میکنند، اما شرط اساسی برای اعمال چنین معافیتی، محصور بودن و امکان کنترل کامل منطقه است. به عبارت دیگر، تا زمانی که منطقه به طور فیزیکی قابل کنترل نباشد، امکان تشخیص کالاهای ورودی و خروجی و اعمال معافیت هدفمند، با دشواری جدی مواجه خواهد بود. در ایران، با توجه به اینکه مناطق آزاد عمدتاً با مناطق مسکونی همراه بوده و به طور کامل محصور نیستند، اعمال معافیت مالیات بر ارزش افزوده با چالش های جدی مواجه است و عملاً امکانپذیر نمیباشد.

با این حال، در لایحه جدید مالیات های مستقیم، این معافیتها برای مناطق آزاد در حال ایجاد، حذف شده است. در مورد مناطق آزاد موجود نیز، معافیت عام تا پایان دوره ۲۰ ساله پابرجا خواهد بود و پس از آن، بر اساس لایحه جدید مالیات های مستقیم، ۵۰ درصد درآمد ناشی از فعالیت تولیدی، هتل ها، مراکز اقامتی و گردشگری مشمول نرخ صفر مالیاتی خواهد بود و ۲۰ درصد درآمد سایر فعالیت ها (به استثنای درآمد فروش طلا، نقره، ارز و جواهرات) نیز از نرخ صفر برخوردار میگردند. بنابراین، امکانپذیری حذف معافیت های مورد اشاره در این پرسش، با توجه به رویه های قانونی موجود در کشور، وجود دارد و در حال حاضر نیز بخش زیادی از معافیت های مالیات بر ارزش افزوده در مناطق آزاد، بر اساس اصلاح قانون

مالیات بر ارزش افزوده، لغو شده است.

با این حال، یکی از شرایط اساسی برای اجرای موفق این لغو، حذف تدریجی و نه یکباره آنهاست تا امکان تطبیق پذیری برای فعالان اقتصادی فراهم گردد و از بروز شوک های ناگهانی به فعالیت های اقتصادی جلوگیری شود. حذف تدریجی معافیت ها، میتواند حالت های پیشنهادی مختلفی داشته باشد که یکی از آنها در لایحه جدید مالیات های مستقیم مدنظر قرار گرفته است. به عبارت دیگر، رویکرد پلکانی و مرحله‌ای، ضمن کاهش هزینه های تطبیقی برای بنگاه ها، امکان بازنگری و اصلاح سیاست ها را نیز بر اساس عملکرد و بازخوردهای میدانی، فراهم می آورد.

ارزیابی حذف معافیت حقوق ورودی کالاهای مصرفی

حقوق ورودی، به عنوان عوارضی که حق دولت محسوب میشود، باید دریافت گردد؛ اما دولت تنها زمانی میتواند از این حق خود صرف نظر کرده و حقوق ورودی را دریافت نکند که منفعت حاصل از معافیت، از هزینه درآمدی که دولت از آن صرفنظر میکند، بیشتر باشد. به عبارت دیگر، هرگونه معافیت باید بر اساس تحلیل دقیق هزینه فایده صورت پذیرد تا اطمینان حاصل شود که مزایای اقتصادی آن (نظیر جذب سرمایه، ایجاد اشتغال، رونق گردشگری و ...) از درآمدهای ازدست رفته دولت، بیشتر است.

به نظر میرسد معافیت حقوق ورودی که اغلب سهم بسیار کوچکی از درآمدهای مالیاتی دولت را شامل میشود از منظر هزینه فایده، میتواند توجیه پذیر باشد و در نتیجه، حقوق ورودی در مناطق آزاد بابت ورود و خروج کالاها دریافت نشود. از آن گذشته، مجوز ۸۰ دلاری برای کالای مسافری در قانون وجود دارد. اگر این قانون به درستی اجرا شود و افراد اجازه داشته باشند کالای مصرفی تا سقف ۸۰ دلار را بدون پرداخت حقوق گمرکی وارد کنند، این امر انگیزه کافی برای گردشگران ایجاد میکند تا به مناطق آزاد سفر کنند و ضمن خرید کالاها، هزینه های گردشگری (مانند اقامت، غذا، حمل و نقل و تفریحات) را نیز در داخل منطقه پرداخت نمایند که این خود به رونق اقتصاد گردشگری منطقه کمک شایانی خواهد کرد.

با این حال، مشکل اصلی معافیت حقوق ورودی کالاهای مصرفی در مناطق آزاد، آثار سوء آن بر تولید داخل است. در نتیجه اعمال این معافیت، مناطق آزاد اکنون به محل هایی برای خرید کالاهای مصرفی خارجی توسط افراد تبدیل شده‌اند. هرچند عنوان رسمی این مناطق، «مناطق آزاد تجاری-صنعتی» است، اما منظور از واژه «تجاری» در این عنوان، تجارت با کشورهای خارجی در زمینه صادرات و یا واردات مواد اولیه و واسطه ای بوده است، نه واردات کالاهای مصرفی نهایی. در حالی که در عمل، عنوان تجاری باعث شده است تا انواع کالاهای مصرفی خارجی در این مناطق خرید و فروش شود و این امر، تولید داخل را با چالش جدی مواجه کرده است. به عبارت روشن تر، کالاهای مصرفی وارداتی با قیمت تمام شده پایین تر (به دلیل معافیت حقوق ورودی)، با تولیدات مشابه داخلی که مشمول حقوق گمرکی و مالیاتهای متعدد هستند، رقابت ناعادلانه ای پیدا کرده و سهم بازار تولیدکنندگان داخلی را کاهش میدهند.

علاوه بر این، به دلیل سودآوری بالای فروش کالاهای مصرفی خارجی، اغلب فعالیت های مناطق آزاد به سمت فعالیت های تجاری و احداث پاساژها و مجتمع های تجاری صرفاً فروشگاهی متمایل شده و فعالیت های تولیدی در این مناطق به حاشیه رانده شده و مهجور مانده‌اند. این موضوع، در تضاد آشکار با هدف اولیه تأسیس مناطق آزاد یعنی توسعه تولید و صادرات قرار دارد و عملاً مناطق آزاد را به بازارهای مصرفی لوکس و واردات محور تبدیل کرده است.

بنابراین، با توجه به آثار و آسیب های یادشده، به نظر میرسد که حذف معافیت حقوق ورودی کالاهای

مصرفی، در کنار اعمال صحیح و کارآمد قانون ۸۰ دلار برای کالای مسافری، میتواند رویکردی کارآمدتر و همسو با اهداف تولیدی و صادراتی مناطق آزاد باشد. این سیاست، ضمن کاهش آثار سوء بر تولید داخل، همچنان انگیزه های لازم برای جذب گردشگر و رونق اقتصادی مناطق را حفظ خواهد کرد و از تبدیل شدن مناطق آزاد به مراکز صرفاً مصرفی و وارداتی، جلوگیری خواهد نمود.

ورود کالاهای تولیدی مناطق آزاد به سرزمین اصلی

اگر مناطق آزاد کشور با دیدگاه صادرات محوری نگریسته شوند، آنگاه ممنوعیت واردات کالاهای تولیدشده در این مناطق به سرزمین اصلی، میتواند رویکردی منطقی و قابل دفاع باشد. چرا که در این صورت، مأموریت اصلی مناطق آزاد، صادرات و ارزآوری برای کشور خواهد بود و تأمین بازار داخلی چه از حیث کالاهای استراتژیک و چه سایر کالاهای در زمره وظایف آنها قرار نمیگیرد. به عبارت دیگر، در الگوی صادرات محور، مناطق آزاد به عنوان پایگاه هایی برای تولید کالاهای رقابتی با هدف عرضه به بازارهای جهانی طراحی میشوند و ارتباط آنها با اقتصاد داخلی، عمدتاً از طریق جذب مواد اولیه، انتقال فناوری و ایجاد ارتباطات پسینی و پیشینی با صنایع داخلی تعریف میگردد.

با این حال، ماهیت و هدف گذاری مناطق آزاد در ایران، با سایر کشورها متفاوت است. مناطق آزاد در ایران علاوه بر تولید کالاهای استراتژیک، به تولید کالاهای گروه چهارم (مانند پوشاک، لوازم آرایشی و بهداشتی و غیره) نیز مبادرت دارند. بنابراین، در صورت اعطای مشوق های لازم برای تولید این گروه کالاهای مناطق آزاد و صدور مجوز برای واردات آنها به سرزمین اصلی، میتوان مشکل قاچاق این گروه از کالاهای که یکی از معضلات جدی اقتصاد کشور است، تا حد قابل توجهی مرتفع ساخت. به عبارت دیگر، مناطق آزاد میتوانند با این سیاست، نقش مؤثری در تنظیم بازار داخل ایفا کنند و با تولید قانونی و شفاف، زمینه را برای کاهش قاچاق و تأمین کالاهای مورد نیاز بازار داخلی فراهم آورند.

البته میتوان دیدگاه میانه دیگری نیز به این موضوع داشت؛ به گونه ای که برای دستیابی به اهداف هر دو سوی موضوع یعنی هم هدف صادرات محوری مناطق و هم هدف تنظیم بازار داخلی مجوز واردات کالاهای مناطق آزاد به سرزمین اصلی، با این شرط اعطا شود که این واردات به طور کامل مشمول دریافت حقوق گمرکی گردد. این رویکرد، ضمن حفظ انگیزه های صادراتی برای مناطق آزاد، از ایجاد رقابت ناعادلانه با تولیدات داخلی جلوگیری میکند و در عین حال، امکان تأمین کالاهای استراتژیک و ضروری را از مسیر شفاف و قانونی فراهم میآورد. همچنین، پیشنهاد میشود که درآمد حاصل از دریافت حقوق گمرکی، در خود مناطق آزاد هزینه شود تا ضمن تأمین منابع مالی برای توسعه زیرساخت ها، بهبود خدمات، و ارتقای توان رقابتی مناطق، از ایجاد انگیزه برای واردات بیرویه نیز جلوگیری بهعمل آید.

در نهایت، انتخاب میان ممنوعیت کامل، آزادی کامل، یا رویکرد میانه، باید مبتنی بر تحلیل دقیق هزینه فایده، اولویت های توسعه ای کشور، و ظرفیت های تولیدی و صادراتی هر منطقه صورت گیرد و از هرگونه تصمیمگیری شتابزده یا یکسان انگارانه پرهیز شود.

ظرفیت های سیاست گذاری مالیاتی در مناطق آزاد

شناسایی مبادی که امکان اعمال سیاست مالیاتی با گمرکی وجود دارد، مستلزم تخصصی کردن فعالیتهای مناطق آزاد است تا از این طریق متناسب با تخصص منطقه بتوان درباره دریافت مالیات با اعطای معافیت آنها در مبادی مختلف قضاوت کرد؛ اما به طور کلی در حوزه صادرات هر نوع صادراتی، جذب سرمایه (متناسب با حوزه هایی که اولویت های منطقه یا به عبارتی در راستای طرح جامع منطقه باشد،

انتقال فناوری از سرزمین اصلی به مناطق و از خارج به مناطق پارک های علم و فناوری و شرکت های دانش بنیان کالاهای اساسی که وارد مناطق می شوند و پس از پردازش وارد سرزمین اصلی میگردند و همین طور ورود مواد اولیه ای که برای تولید این کالاها به کار گرفته می شوند همگی از میادی هستند که به واسطه آنها در مناطق آزاد، فعالیت های تولیدی و خدماتی انجام می شود.

برای گزینش این مبادی باید ملاحظات در نظر گرفته شود. مبنای مالیاتی در ادبیات شامل سه پایه درآمد، ثروت و مصرف است. بنابراین ابتدا باید مشخص شود که در مناطق آزاد از کدامیک از پایه ها مالیات دریافت شود. سپس درباره اجزای آن پایه مالیاتی بحث شود که کدامیک باید مشمول مالیات و کدامیک مشمول معافیت قرار گیرد. برای این تعیین باید و سپس اجزای آن ابتدا باید دید هدف از ایجاد منطقه آزاد چیست. برای مثال اگر هدف ایجاد اشتغال باشد. در این صورت برای تعیین بار مالیاتی که با این هدف سازگار باشد. پایه ها با یکدیگر مقایسه شوند. مصرف کننده در ایجاد اشتغال اهمیت زیادی ندارد. درآمدی که برای تولید کننده و کارگران ایجاد میشود. برای سیاست گذاری در ایجاد اشتغال مفیدتر خواهد بود. بنابراین سیاست گذار باید در پایه درآمدی متمرکز شود. حال در بین اجزایی که بر آنها مالیات بر درآمد اعمال می شود. باید کنکاش گردد، اینکه آیا مشوق به بازرگانی با به تولید کننده اعطا شود. آنها به چه صورت اعطا گردد، آیا به صورت اعتبار مالیاتی باشد به شکل معافیت و یا به صورت تخفیف و نرخ ترجیحی در نظر گرفته شود.



دریافت سایر مکتوبات

«قرارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی» به عنوان یک مجموعه مردم نهاد مستقل، برآن شده است تا در مسیر مبارزه با مفاسد اقتصادی؛ با رویکردی پیشگیرانه فعالیت نماید و این مجموعه هدف خود را همسوسازی ظرفیت پژوهشگاه‌ها، رسانه‌ها و جریان‌های دانشجویی و صنفی و در یک کلام نخبگان جامعه قرار داده است تا مبدائی برای گفتمان سازی عالمانه در راستای ریشه کنی سرطان فساد اقتصادی از پیکر نظام مقدس اسلامی ایجاد گردد.

www.FesadSetiz.ir

  @fesadsetiiz

  @fesadsetiz_ir

تهران میدان انقلاب
خیابان کارگر شمالی
بن بست امین - پلاک ۱۰

۰۲۱-۶۶۴۰-۸۷۳۰

قرارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی